



چکیده

میرزا نظام از نخستین محصلان ایرانی است که به فرنگ اعزام می‌شود و با تحصیل در رشته ریاضی و مهندسی معدن، یکی از فن‌سالارهای موفق دوره قاجار است. وی فردی منظم، متخصص در حوزه کار خود، اهل نوشتن و عملگرا بود. او در امور اداری نیز به‌عنوان امین ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه بارها به پست‌های وزارت و مقاطعه‌کاری راه‌های ایران رسید. مجموعه این خصوصیات در کتاب *روزنامه خاطرات* با عنوان «روزنامه خاطرات مهندس الممالک» منعکس که یادداشت‌های روزانه در سال‌های ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۰ ق است و حاوی اطلاعات ذی‌قیمتی برای شناخت وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دوره قاجار. دقت در ثبت وقایع و ثبت تاریخ روز به تقویم قمری و میلادی و نیز ذکر اینکه چند روز از نوروز گذشته و حتی تصحیح اشتباهات روزهای گذشته در ثبت رخدادهای، جایگاه این کتاب را در منابع دوره قاجار برجسته می‌سازد. این مقاله به دنبال تحلیل مطالب مستخرج از نسخه خطی *روزنامه خاطرات* وی است.

کلیدواژه‌ها: میرزا نظام مهندس الممالک غفاری، *روزنامه خاطرات*، راه‌سازی، کاشان، خاندان غفاری.

روزنامه خاطرات
مهندس الممالک غفاری

* استادیار پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، نویسنده مسئول / sadat@ri-khomeini.ac.ir

** دانشجوی دکتری تاریخ، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران / sharifzadeh1@yahoo.com



۱. شرح حال نویسنده

میرزا نظام‌الدین مهندس‌الممالک غفاری فرزند میرزا ابراهیم در دهم شعبان ۱۲۶۰ق/۲۵ اوت ۱۸۴۴ق در روستای بُرزآباد^۱ کاشان متولد شد. در سال ۱۲۷۵ق/۱۸۵۹م در روزگار امپراتوری ناپلئون سوم، فرّخ‌خان امین‌الملک (بعدها امین‌الدوله) سفیر ایران در پاریس مأمور اعزام محصلان ایرانی به فرنگ شد. فرّخ‌خان از ۴۲ نفر محصل اعزامی به فرنگ، ۹ نفر را از کاشان اعزام کرد که میرزا نظام‌الدین یکی از آنها بود. بنابراین وجود فرّخ‌خان که خود کاشانی بود علت اصلی اعزام کاشانی‌ها و از جمله نظام‌الدین به فرنگ بود (سرمد، ۱۳۷۲: ۱۵۶).^۲ نظام‌الدین زیر نظر حسن‌علی‌خان گروسی امیرنظام برای تحصیل به فرانسه رفت. او سه سال مقدمات را در مدرسه بندر دیپ^۳ تحصیل کرد و امتحان دانش‌آموختگی مقدماتی را در شهر روان^۴ داد و به پاریس رفت. او در پاریس علوم متوسطه را در مدرسه سن‌لویی^۵ فراگرفت و در امتحان آخر آن سال بالاترین نمره را در تمام دروس آورد؛ بنابراین پاداش اول به او داده شد و به‌عنوان شاگرداول وارد مدرسه پلی‌تکنیک^۶ پاریس شد. میرزا نظام در کلاس‌های بالاتر این مدرسه درس می‌خواند و به کلاس‌های پایین‌تر درس می‌داد (یغمایی، ۱۳۴۶: ۵۶). همچنین چند مقاله با موضوع ریاضی در روزنامه علمی مدرسه پلی‌تکنیک و روزنامه علمی ژرونو و ترکوئم^۷ چاپ کرد. خانم دیولافوا از دوستان مهندس درباره فعالیت‌های او در موقع تحصیل در پاریس می‌نویسد: «یادگارهای درخشانی در آن مدارس باقی‌گذارده است» (دیولافوا، ۱۳۷۱: ۱۷۲).

وی و میرزا جهان‌شیبانی کاشانی با قبولی در امتحان ورودی، وارد مدرسه معدن پاریس شدند (سپهر، ۱۳۴۵: ۱۷۲). میرزا نظام در مدت تحصیل خود، به بقیه محصلان ایرانی هم کمک می‌کرد. میرزا مهدی‌خان ممتحن‌الدوله شقاقی از محصلان اعزامی همین دوره، در خاطرات خود می‌نویسد: «خداوند جناب غفران‌مآب میرزا نظام مهندس‌الممالک را قرین رحمت خود فرماید که در امتحانات بنده مساعدت می‌فرمود و دروس مرا تجدید مذاکره می‌نمود و مرا در پیش هم‌سران سرافراز داشته» (ممتحن‌الدوله، ۱۳۵۳: ج ۱، ۸۳). او در خاطرات خود درباره سختی زندگی و تحصیل در فرانسه آورده است: «در آن سال در مالیه ایران یعنی گمرک آذربایجان که محل وصول مقرری سفارت ایران در پاریس و ارسال خرج تحصیل شاگردان بود، فتور و وقفه و نکث پیدا شد و وجهی به پاریس فرستاده نشد و شاگردان بدبخت مثل این ایام (۱۲۹۲ شمسی) گرفتار قرض و پریشانی بودند؛ و بدشانسی که در این موقع برای بنده روی داد این بود که هزار فرانک مقروض گشته بودم و از منزل و مهمانخانه‌ای که در آنجا شام و ناهار با روزی دو فرانک و نیم

کاشان‌شناسی
شماره ۱۴ (پیاپی ۲۲)
بهار و تابستان ۱۳۹۸



•
•
•
•
•
•
•

تغذیه می نمودم به واسطه نرساندن پول گریزان بودم؛ و غالب شبها و روزها با مرحوم میرزا نظام (مهندس الممالک) با وجه مختصری، نان و پنیر و یا گوشت پخته خریداری کرده، در گوشه و کنارها می خوردیم و اغلب اوقات به سر خاکریز خندق پاریس که به واسطه اشجار مزین بود، می رفتیم و سداً جوع می نمودیم» (همان: ۶۷).

شاگردان ایرانی به دستور ناصرالدین شاه در سال ۱۲۸۴ق/۱۸۶۷م از پاریس به سوی ایران حرکت کردند (همان: ۹۶). میرزا نظام پس از ۹ سال اقامت در پاریس، به ایران بازگشت و جزء پیشخدمتان ناصرالدین شاه قرار گرفت و در بازگشت شاه از سفر کربلا که حاجی میرزا حسین خان مشیرالدوله به وزارت عدلیه منصوب شد، ریاست مجلس تحقیق وزارت عدلیه را به او دادند. او در زمان وزیر جنگ بودن مشیرالدوله سپه سالار اعظم، از وزارت عدلیه استعفا داد و یکی از شش نفر اجزای مجلس خرید لوازم نظامی شد (سپهر، ۱۳۴۵: ۱۷۲). میرزا نظام در سال ۱۲۸۸ق/۱۸۷۱م به منصب سرهنگی رسید و از جانب دولت برای خرید اسلحه و لوازم نظامی از قبیل توپ و... مأمور شد. او در بازگشت از این سفر، آجودان مخصوص مظفرالدین میرزا ولیعهد شد (پیوست ۱) و تا سال ۱۲۹۴ق/۱۸۷۷م در آذربایجان بود؛ وی در این سال به دستور ناصرالدین شاه عزل و به کاشان تبعید شد؛ زیرا ولیعهد تحت تعلیم مهندس الممالک لباس اروپایی می پوشید و تاریخ لویی پانزدهم و فردریک کبیر و ناپلئون اول را می خواند (دیولافوا، ۱۳۷۱: ۵۲) و عده ای با این کار مخالف بودند. با پیداشدن معدن سنگ طلا در خمسه، میرزا نظام راه، که مهندسی معدن هم خوانده بود، برای کاوش در کاوند خمسه و همچنین کوه زر دامغان مأمور کردند. میرزا نظام مأمور ساختن راه شوسه تهران به آمل شد و بعد از سه سال که راه مزبور به اتمام رسید، به لقب مهندس الممالکی ملقب شد و ساختن راه شوسه تهران به قم به او واگذار شد (همان جا). مهندس نخستین مسیریابی به کمک ابزار جدید را در ساخت راه شوسه تهران به قم به کار برد (طاهری، ۱۳۹۷). مهندس در ۱۳۰۰ق/۱۸۸۳م مأمور نگهداری راه افجه، فیروزکوه، آمل و نور شد. ناصرالدین شاه در سفرنامه خود به قم درباره راه قم می نویسد: «خلاصه این علی آباد منزل امروز دو راه دارد که یک راه را تازه مثلاً به قول خودشان راه دولتی میرزا نظام مهندس ساخته است که همه جا از دامنه کوه می رود» (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۱: ۹۰). «رسیدیم به رودخانه شور پلی که بر روی رودخانه است همان پلی است که میرزا نظام مهندس الممالک ساخته بود» (همو، ۱۳۶۲: ۸).

روزنامه خاطرات

مهندس الممالک غفاری در قرارداد احداث چراغ گاز، بین دولت ایران و پیمانکار فرانسوی اختلاف ایجاد شد که ناشی



از انفجار انبار مجری این طرح در تهران بود، مهندس‌الممالک ابتدا به‌عنوان میانجی و کارشناس حل اختلاف انتخاب شد و در ادامه، ادارهٔ چراغ‌گاز و برق به او واگذار شد.

۱-۱. نشان‌ها و سمت‌های مهندس‌الممالک

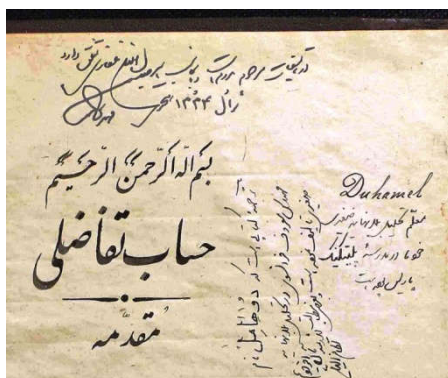
نظام‌الدین از اعضای فرهیختهٔ همراه ناصرالدین‌شاه و سپس مظفرالدین‌شاه در سفر به اروپا بود و کشورهای اروپایی از تحصیلات و دانش او باخبر بودند و به او احترام می‌گذاشتند.

مهندس‌الممالک در مسافرت سوم ناصرالدین‌شاه به فرنگستان در تاریخ ۱۳۰۶/ق/۱۸۸۹م با سمت ژنرال‌آجودانی همایونی همراه شاه بود (پیوست ۲). او در این سفر این نشان‌ها را دریافت کرد: از دولت روسیه نشان درجهٔ دوم ستانیسلاس، از دولت آلمان نشان درجهٔ دوم عقاب قرمز، از دولت اتریش نشان درجهٔ دوم فرانسوا ژرف، از باویر دور تامبرغ و بادن‌باد نشان درجهٔ دوم آن دول، از هلند نشان درجهٔ دوم لیون نیرلانده، از بلژیک نشان سوم لئوپولد، از دولت فرانسه نشان درجهٔ چهارم لژیون‌دنر و نشان افسانه دولنستروکسیون پوبلیک^۸ (نشان علمی دولت فرانسه)، از دولت انگلیس نشان اول تمثال ملکه (از نشان‌های جدید دولتی انگلیس) (سپهر، ۱۳۴۵: ۱۷۳). او در مدت این سفر و بعد از آن، ریاست دفتر وزارت اعظم و بعد ریاست دفتر صدارت عظمی را عهده‌دار بود و در سال ۱۳۰۷/ق/۱۸۹۰م مأمور دولت در بانک شاهنشاهی شد (همان‌جا). در سال ۱۳۰۸/ق/۱۸۹۱م به دریافت یک قبضه شمشیر مرصع درجهٔ اول مفتخر شد. در سال ۱۳۱۰/ق/۱۸۹۳م نشان درجهٔ اول خارجه با حمایل سبز و در سال ۱۳۱۱/ق/۱۸۹۴م نشان تمثال درجهٔ اول به او داده شد (پیوست ۳) و در سال ۱۳۱۳/ق/۱۸۹۶م از طرف دولت علیه به یک ثوب جبه و شمشیر مرصع درجهٔ اول و رتبهٔ جنابی و عضویت در دارالشورای کبری مفتخر شد. در سال ۱۳۱۳/ق/۱۸۹۶م درجهٔ امیرتومانی و نشان و حمایل آن رتبه را تحصیل کرد. در سال ۱۳۱۴/ق/۱۸۹۷م دولت عثمانی نشان اول مجیدی و حمایل مخصوص آن را به او داد. در سال ۱۳۱۶/ق/۱۸۹۹م وزارت فواید عامه و معادن به او واگذار شد و در سال ۱۳۱۷/ق/۱۹۰۰م با همین سمت ملتزم رکاب مظفرالدین‌شاه به سفر فرنگستان شد (همان‌جا). در این سفر نیز دولت‌های روس، فرانسه، بلژیک، بلغارستان، هلند، هنگری، نشان‌های علمی کشورهای خود را به او اعطا کردند و احتراماتی را که درخور دانشمندی چون او بود، در حقش به جای آوردند. در مراجعت از سفر فرنگستان به پاداش خدماتش در مدت سفر، به نشان مُکَلَّل^۹ درجهٔ اول شیر و خورشید ایران مفتخر شد. در سال ۱۳۱۹/ق/۱۹۰۲م میلادی که دوباره شاه به فرنگستان می‌رفت، مهندس‌الممالک با سمت وزارت فواید عامه و معادن، همراه شاه بود. در این سفر، از دولت ایتالیا

نشان درجه اول کورن دیتالی و از دولت آلمان، نشان درجه اول کورن دوپروس و از دولت روس نشان درجه اول سنت آنا و از دولت انگلیس، نشان درجه دوم سن میشل و سن ژرژ را دریافت کرد. او تا پایان عمر متجاوز از ۲۵ نشان علمی معتبر از دولت‌های اروپایی دریافت کرد.

۲-۱. شخصیت علمی

مهندس الممالک خیلی به ریاضیات علاقه داشت و تعدادی کتاب ریاضی را از فرانسه به فارسی ترجمه کرد که گاهی آن‌ها را به حساب تألیفات او می‌گذارند، درحالی‌که خود مهندس در توضیحات این کتاب‌ها، آن‌ها را ترجمه ذکر کرده است. مهندس در صفحه اول کتاب حساب تفاضلی خود نوشته است: «ترجمه کتابی است که دوهامل نام، مهندس معروف فرانسوی، در تحلیل بلانهایه صغیری تألیف نموده است.» دوهامل معلم مهندس برای تعلیم همین کتاب در مدرسه پلی‌تکنیک پاریس بوده است.



تصویر ۱: صفحه آغاز نسخه خطی کتاب حساب تفاضلی

میرزا نظام‌الدین خان مهندس الممالک چندین مجلد کتاب علمی گران‌بها هم تألیف کرده است. «میرزا نظام‌الدین خان مهندس الممالک کاشانی که یکی از تحصیل‌کردگان نامی است... کتاب هندسه عالی خود را که در چند مجلد تألیف نموده [است] می‌آورد حاضرین می‌بینند و زحمت فوق‌العاده او را در تألیف این کتاب تقدیر کرده، آرزو می‌نمایند روزی برسد که محصلین ما بتوانند از این‌گونه کتاب‌ها استفاده نمایند» (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ج ۱، ۳۰۴).

دیولافوا درباره میرزا نظام می‌نویسد: «میرزا نظام یکی از نمایندگان واقعی ایران نو است. علاوه بر هوش و استعداد ذاتی ایرانی، تحصیلاتی هم در فرانسه کرده و دارای معلومات زیادی است» (دیولافوا، ۱۳۷۱: ۱۷۲).

روزنامه خاطرات

مهندس الممالک غفاری، یک مجلد در علم مثلثات،



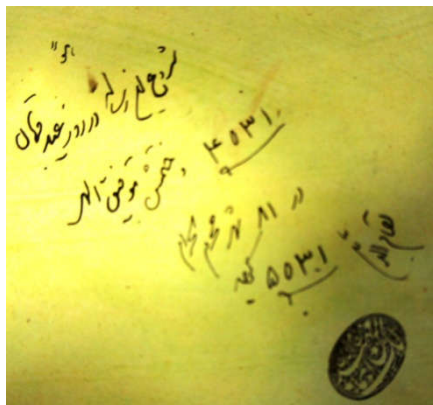
یک مجلد در علم هندسه تحلیلی، دو مجلد در حساب تفاضلی و اصلی، ده مجلد در علم قوی و حرکت وسطی و اعلی» (سپهر، ۱۳۴۵: ۱۷۲). می‌داند که این تعداد جزء مورد اخیر که ده مجلد در علم قوی و حرکت وسطی و اعلی است، در مقدمه مهندس هم تکرار شده است. مهندس کتابش در علم قوی و حرکت را یک جلد ذکر کرده است. مهندس الممالک در مقدمه نسخه اهدایی کتاب‌های ریاضی‌اش به ناصرالدین‌شاه، تعداد این کتاب‌ها را هفت جلد اعلام کرده است: «این هفت جلد کتاب را که یک جلد در علم مثلثات و دو جلد در علم جبر و مقابله و یک جلد در هندسه تحلیلی و دو جلد در تحلیل بلانهایه صغیری که جلدی در حساب تفاضلی و جلدی در حساب اصلی باشد و جلدی نیز در قوه و حرکت که اعلی پایه علوم ریاضی این زمان است از لسان فرانسوی به زبان فارسی بعضی را به ترجمه و برخی را تألیف ساختم و مصطلح این علوم را چنانچه باید، باز نمودم» (پیوست ۴).

مهندس الممالک در تاریخ ۱۳۲۲ق تعداد کتاب‌های خود را در علم ریاضی ده جلد کتاب در نه علم ریاضی ذکر کرده است. او در یادداشتی در کنار یکی از کتاب‌هایش می‌نویسد: «کتبی که تا این تاریخ به فارسی تألیف کرده‌ام به این تفصیل می‌باشد: جبر و مقابله مقدماتی و وسطی در یک مجلد، مثلثات یک مجلد، هندسه تحلیلی یک مجلد، قوه و حرکت وسطی یک مجلد، هندسه تصویری یک مجلد، حساب تفاضلی یک مجلد، حساب اصلی یک مجلد، قوه و حرکت اولی یک مجلد، هندسه اعلی^{۱۰} یک مجلد، اصول تعلیم مُحَلِّدین یک مجلد، پس تا این تاریخ در ۹ علم ریاضی ۱۰ جلد کتاب فارسی تألیف کرده‌ام» (پیوست ۶). بعد از این تاریخ هم مهندس کتاب دیگری در ریاضیات به نام *مفتاح الرياضیات* تألیف کرده است (پیوست ۶). «کتب هندسه وسطی و علیای معتمدالخاقان میرزا نظام‌الدین خان کاشانی مهندس الممالک که از روی کتب معتبره صنادید^{۱۱} اساتید ممالک اروپا به فارسی ترجمانی کرده است، حقا که زحمت فوق‌العاده کشیده و خدمت زانداالوصف نموده است. دریغاً که این کتاب‌های هندسه تاکنون به طبع نرسیده است» (سپهر، ۱۳۴۵: ۶۰).

«مهندس الممالک مردی تحصیل کرده و دنیادیده است. کتاب مهمی در هندسه عالی تألیف نموده. اکنون که وزارت معارف را دریافته می‌خواهد نام نیکی در این رهگذر بگذارد» (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ج ۳، ۲۷۷).

در کتاب‌های مهندس الممالک اعم از تألیف و ترجمه، اصطلاحات و علامات علوم ریاضی و طبیعی به فارسی آمده و علامت گذارده شده است؛ یعنی اسامی و اصطلاحات و علامات را

عالمانه انتخاب کرده و به کار برده است و این خدمت بزرگ، راه را برای تألیف کتاب‌های هیئت ریاضی و طبیعی برای دانشمندان بعد از زمان او هموار و آسان کرده است. مهندس در نوشتن اعداد و به‌ویژه تاریخ‌ها در برخی از کتاب‌هایش از راست به چپ نوشته است و پیشنهادی علمی در این زمینه عرضه کرده است (پیوست ۷).



نوشتن اعداد از راست به چپ توسط مهندس الممالک

۳-۱. شخصیت اداری

مسافرت سوم ناصرالدین‌شاه به فرنگستان در تاریخ سال ۱۳۰۶ق/۱۸۸۹م به میان آمد و میرزا نظام مهندس الممالک به رتبه سرتیپی اول سرافراز و به سمت ژنرال آجودانی همایونی ملتزم رکاب شد. در سنه ۱۳۱۶ق/۱۸۹۹م وزارت فواید عامه و معادن به او واگذار شد. (سپهر، ۱۳۴۵: ۱۷۳). «چون میرزا نظام‌الدین مهندس الممالک از جمله خانه‌زادان و چاکران مخصوص دولت [است] و سابقه خدمات او از زمان ولیعهدی تاکنون در نظر است و علم و اطلاع و احاطه او در کار معادن در حضور مبارک مشهود است، لهذا برحسب تصویب و تصدیق جناب اشرف اکرم میرزا علی‌اصغرخان صدراعظم، به موجب این دستخط مبارک، وزارت کلیه معادن را به عهده کفایت و کفالت مشارالیه واگذار داشته و محض تکمیل مرحمت یک ثوب لباده شمسه مرصع برای خلعت او عنایت فرمودیم که موافق دستورالعمل جناب اشرف صدر اعظم، به مراسم خدمت مزبوره پرداخته، مراسم کفایت خود را بیشتر ظاهر سازد. ربیع‌الاول ۱۳۱۶» (ملک‌المورخین، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۵۷). «وزارت معادن را در این ماه به میرزا نظام [الدین] مهندس الممالک غفاری کاشانی دادند. او در علوم خارجه، خصوصاً هندسه، اول‌شخص ایران است لیکن وجودش برای احدی مثمر

نیست. بی‌خیر است» (همان: ج ۱، ۲۱۳). در عشر سوم شوال‌المکرم، ریاست جنگل‌های ایران را

شاه به میرزا نظام‌الدین [مهندس‌الممالک وزیر معادن و طرق و شوارع داد (همان: ج ۱، ۳۳۵)]. پس از صدور فرمان مشروطیت در نخستین کابینه‌ای که برای سازندگی و تحول در دستگاه‌های دولتی به عضویت هشت نفر وزیر برگزیده و معرفی شدند، دو نفر از خاندان غفاری یعنی وزیرهمایون و میرزا نظام‌الدین مهندس‌الممالک به وزارت انتخاب شدند. در فاصله سال‌های ۱۳۲۵ق/۱۹۰۷م تا مرگ او در ۱۳۳۳ق/۱۹۱۵م در کابینه‌های ناپایدار این مقطع تاریخی سمت‌های وزارت معادن، طرق و شوارع، معادن و جنگل‌ها، وزارت فواید عامه، وزارت معارف و اوقاف و نیز وزارت علوم را بر عهده داشت (سپهر، ۱۳۴۵: ۴۶؛ هدایت، ۱۳۸۵: ۱۵۴؛ افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۲۸۲).

افضل‌الملک به میرزا نظام‌الدین مهندس‌الممالک وزیر معادن انتقاد می‌کرد: «محاسن جناب میرزا نظام‌الدین را قدری گفتیم؛ خوب است که دوستانه عیب ایشان را هم بگویم. ایشان عیبی ندارند؛ لکن من گاهی در عالم خیال خود می‌گویم: این مرد باعلم و باکفایت، چرا کار معادن ایران را ترقی نداده و مثل سابق این کار رونقی ندارد؟ آهن‌ها و سایر فلزات و بعضی چیزهای مفید، در سنگ‌ها و کوه‌ها مانده؛ چرا آن‌ها را بیرون نمی‌آورند و منافع آن را برای دیگران می‌گذارند» (افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۲۰).

محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در کتاب‌های خود، از مقام علمی مهندس‌الممالک به نیکی یاد کرده است؛ ولی درباره شخصیت او داوری دیگری داشته است. او در ۱۳ رمضان ۱۳۰۶ق/۱۳ مه ۱۸۸۹م در *روزنامه خاطرات* خود می‌نویسد: «میرزا نظام در زیر حمایت مخصوص انگلیسی‌ها و تحت زعامت تولوزان و در خدمت وزیر اعظم بود» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۹: ۶۲۰).

۴-۱. اقدامات عمرانی

مهندس‌الممالک بانی ساختمان بقعه شش‌امامزاده در قم‌رود بود. بر کتیبه بالای تالار شرقی بقعه آمده است: «حسب‌الأمر بندگان حضرت مستطاب اجل اکرم افخم آقای مهندس‌الممالک وزیر فواید عامه مدظله‌العالی به سعی و اهتمام سرکار معتمدالسلطان حاجی محمدعلی‌خان ناظم‌الممالک زید مجله‌العالی اتمام پذیرفت. شهر رجب توشقان‌نیل ۱۳۲۱» (مدرسی، ۱۳۳۵، ج ۲: ۱۶۲). میرزا نظام غفاری ابتدا جاده‌ای از قم به قم‌رود به طول ۱۵ کیلومتر احداث کرد و در طول آن درختان توت و عرعر کاشت که بعد از صد سال هنوز پابرجاست و در بهار و تابستان زیبایی خاصی به جاده می‌دهد. میرزا نظام غفاری که خود اهل منطقه برزآباد کاشان بود، بسیاری از مردم برزآباد را به منطقه قم‌رود آورد. میرزا نظام کاشی‌ها را در قلعه‌های چهارگانه ساکن کرد.

از جمله در قم رود یک قلعه با حوض و بادگیر و بازارچه‌ای در کنارش ساخت و برای دو پسر خود دو قلعه سام‌آباد و مظفرآباد و برای دختر خود قلعه ملک‌آباد را بنا کرد و در کنار آن‌ها حمام برپا کرد. البته در کنار قلعه ملک‌آباد، آسیایی هم احداث کرد که به احتمال زیاد آسیای آبی بوده و این نشانه فراوانی آب در قدیم در ملک‌آباد است؛ البته آثاری از این آسیا باقی نمانده است. پس از میرزا نظام، در منطقه دو طایفه کاشی و قم‌رودی شکل گرفته که همین اختلاف فرهنگی باعث درگیری‌هایی بین آن‌ها شده است.

مهمانخانه مهندسیه در قم از بناهای ساخته‌شده مهندس الممالک است. «امروز باید برویم مهمانخانه؛ ناهار را هم آنجا بخوریم. صبح که از خواب برخاستیم هوا صاف و آفتاب بسیار خوبی بود؛ رخت پوشیده رفتیم حرم زیارتی کردیم. بعد بیرون آمده سوار کالسکه شده رانندیم برای مهمانخانه؛ مهمانخانه پهلوی دروازه و پل است. وارد مهمانخانه شدیم؛ امین‌السلطان در رکاب بود. این مهمانخانه را میرزا نظام مهندس کاشی ساخته است. بسیار خوب ساخته است؛ باغ و عمارت خوبی دارد و کلاه‌فرنگی سنگی وسط باغ ساخته است. خیلی جای باصفای خوبی است» (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۸۱: ۱۱۴). «روز سوم عصر از علی‌آباد برای قم حرکت کردیم؛ نصفه‌شب بود که به قم رسیدیم. به مهمانخانه‌ای که به اسم بانی آن میرزا نظام مهندس الممالک معروف به مهندسیه بود، وارد شدیم» (مستوفی، ۱۳۸۴: ج ۱، ۵۱۷).

۵-۱. علاقه مهندس به کتاب

«یوسف‌خان مستشارالدوله به اتفاق مرحوم مهندس الممالک غفاری هم‌شاگردی سابقم از طرف مرحوم سپه‌سالار برای خرید آرد و گندم به روسیه می‌رفتند. یک شب و دو روز در انزلی با هم بودیم. معلوم شد که میرزا نظام مهندس الممالک در این مسافرت خیال گذشتن از روسیه و رفتن به پاریس دارد که کتاب‌های خودش را به ایران حمل نماید» (ممتحن‌الدوله، ۱۳۵۳: ج ۱، ۲۱۳). مهندس الممالک در سفرهای مظفرالدین‌شاه هم همراه شاه بود در سفرنامه *ظهرالدوله* آمده است: «بعداز ناهار از سفارت با جناب مهندس الممالک رفتیم به دکان کتاب‌فروشی که او برای اعلی‌حضرت شاه چند کتاب نقشه می‌بایستی بخرد» (ظهرالدوله، ۱۳۷۱: ج ۱، ۲۳۷). مهندس الممالک پس از اینکه سال‌هایی از عمر خویش را به خدمت‌های بزرگ عمرانی، علمی و سیاسی گذراند در ۷۳ سالگی، به سال ۱۳۳۳ق/۱۹۱۵م درگذشت و در امامزاده یحیی تهران به خاک سپرده شد.

۱-۶. فرزندان

میرزا نظام‌الدین غفاری از همسر نخست خود، عالیه‌خانم احترام‌الدوله، دختری به نام فاطمه‌خانم داشت که به همسری ابوالقاسم‌خان غفاری درآمد و از همسر دومش بایسته‌خانم طلعت‌الدوله^{۱۲}، دختر جلال‌الدین میرزا پسر فتح‌علی‌شاه، چهار پسر و پنج دختر داشت. این چهار پسر عبارت‌اند از: امیر جلال‌الدین^{۱۳} غفاری مهندس‌الممالک دوم، امیر سهام‌الدین غفاری ذکاء‌الدوله، امیر مظفر‌الدین غفاری و امیر سیف‌الدین غفاری (غفاری، ۱۳۸۵: ج ۲۰، ۱۸۲-۱۸۴). دختران نیز معصومه‌خانم طلعت‌الدوله، نصرت‌الملوک، جلال‌الملوک، عصمت‌الملوک و افسر‌الملوک بودند. پسران میرزا نظام‌الدین نیز مانند پدر همه خردمند و صاحب اثر بودند. سهام‌الدین ذکاء‌الدوله چند سال وزیرمختار ایران در سوئیس بود. دو تا از پسران مهندس قبل از خودش فوت کردند. «سیف‌الله‌خان»^{۱۴} پسر مرحوم مهندس‌الممالک در قم‌رود قم بود. با چند نفر شکار می‌روند، باد و کولاک می‌شود در میان کویر همه تلف می‌شوند. فقط نعش سیف‌الله‌خان و یک تازی را پیدا کردند. امسال سال خوشی برای شکارچی‌ها نیست» (سالور، ۱۳۷۴: ج ۹، ۷۲۳۴). مهندس در ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۰۰ق/اول آوریل ۱۸۸۳م در یادداشت‌های خود، خبر از درگذشت فرزندش جلال‌الدین می‌دهد: «دوشنبه [۱۳ عید نوروز، ۲۳ جمادی‌الاول، ۲ آوریل] صبح که از خواب برخاستم، مذکور داشتند که دیشب نورچشمی امیرجلال‌الدین جانش را به جان‌آفرین تسلیم کرده است. الهی هیچ پدری تاریخ مرگ پسر خود را ننویسد. شکر کردم و شکر می‌کنم. در ایوان جلو مقبره مرحوم امین‌الدوله او را به خاک سپردند. گفتم سنگ قبر مرمر هم برای روی قبرش بتراشند به این مضمون: کل من علیها فان، وفات امیر جلال‌الدین خلف مقرب‌الخاقان معتمدالسلطان میرزا نظام‌الدین غفاری مهندس‌الممالک فی دوشنبه ۲۳ شهر جمادی‌الاول سنه ۱۳۰۰. بدان کاندین دیر ناپایدار/ نمائد و نمائد کسی برقرار» (روزنامه خاطرات مهندس‌الممالک، شماره نسخه ۳۶۸۸۴: ۲۷۰).

۲. معرفی نسخه

این کتاب یادداشت‌های روزانه نظام‌الدین مهندس‌الممالک غفاری از ابتدای سال ۱۲۹۸ تا انتهای سال ۱۳۰۰ هجری قمری است و آن را بر اساس متن خود کتاب، «روزنامه خاطرات مهندس‌الممالک غفاری» نام‌گذاری کرده‌ایم. «عصر پس از ورود نوشتن و روزنامه را ختم کردم» (همان: ۷۵). تاریخ اولین یادداشت دوشنبه اول عید نوروز ثیلان‌ئیل ۲۰/۱۲۹۸ ربیع‌الثانی ۱۲۹۸ق/۲۱ مارس ۱۸۸۱م و تاریخ آخرین یادداشت چهارشنبه ۳۶۵ روز از عید نوروز گذشته

برابر با ۲۱ جمادی الاول ۱۳۰۰ ق/۱۹ مارس ۱۸۸۴ م است.

کتاب شامل ۱۳۱ برگ در ۲۶۲ صفحه است. اندازه کتاب ۱۶۷×۲۵۷ میلی متر است. کتاب چهار طرح خطی (نقاشی) هم دارد: صفحه ۲۵۵: کاروان سرا سنگی؛ صفحه ۲۵۶: چشم انداز روبه قبله خانه امیری و تصویر کوه‌های آن در ۱۷ جمادی الاول ۱۲۹۸؛ صفحه ۲۵۸: چشم انداز کوه دماوند و دره وانه و امامزاده وانه؛ و صفحه ۲۶۱: نظر انداز کوه دماوند و قریه وانه از بام خانه امیری.

مهندس در ابتدای هر یادداشت روزانه، تاریخ را به سه شکل ثبت کرده است: اول معین کرده که چند روز بعد از عید نوروز است و سپس معادل قمری و میلادی آن را آورده و با دقت هم این کار را انجام داده است. مهندس در ذکر تاریخ سه‌شنبه ۱۶۸ نوروز، ۲۱ شوال، ۵ سپتامبر عدد ۱۶۸ عید نوروز را دوباره تکرار کرده است در صورتی که روز قبل از آن ۱۶۸ عید نوروز بوده و او باید ۱۶۹ عید نوروز ثبت می‌کرده است؛ بنابراین تاریخ جلالی (شمسی) ثبت شده از این تاریخ یک روز از تاریخ قمری و میلادی عقب افتاده است:

دوشنبه [۱۶۸ عید نوروز / ۲۰ شوال / ۴ سپتامبر]

سه‌شنبه [۱۶۸ عید نوروز / ۲۱ شوال / ۵ سپتامبر]

او اشتباه دیگری نیز در تاریخ‌گذاری کرده و تاریخ میلادی را یک روز کمتر نوشته است و این اشتباه را در جمعه ۲۱ رمضان ۱۳۰۰ متوجه می‌شود و در حاشیه نسخه، تصحیح آن را می‌آورد: «تا تاریخ امروز باید حساب تاریخ عیسوی را یک روز از آنچه نوشته‌اند، زیاده‌تر حساب کرد که سابقاً سهو شده بود. این سهو را روز جمعه ۲۱ رمضان ۱۳۰۰ در قم، هشت ساعت از شب‌رفته، نزدیک توپ انداختن، قبل از خوابیدن، در زیر زمین، جلو پشه‌بند بیرون کردم» (همان: ۲۳۷). به نظر می‌رسد نویسنده در ضبط اسامی ماه‌های میلادی تلفظ فرانسوی از نام ماه‌ها را به فارسی آورده باشد که در خصوص برخی ماه‌ها تفاوت‌هایی با تلفظ فارسی از نام ماه‌های میلادی دارد. اسامی ماه‌ها به شرح جدول زیر نوشته شده است:

املاي فارسي ماه‌های میلادی	ژانویه	فوریه	مارس	آوریل	مه	ژوئن	ژوئیه	اوت	سپتامبر	اکتبر	نوامبر	دسامبر
بر اساس تلفظ فارسی												
نوع ضبط مهندس الممالک در نسخه (احتمالاً بر اساس تلفظ فرانسوی)	ژانویه	فوریه	مارس	آوریل	مه	ژوان	ژوایله	او	سپتامبر	اوتکوبر	نوامبر	دسامبر

مهندس در ابتدای نوشتن این کتاب ۳۸ ساله بوده است. نویسنده هر اتفاقی را که در آن روز

افتاده گزارش کرده است؛ از سرماخوردگی بچه‌اش تا قرارداد کلان راه قم. تفکیکی هم قائل نشده و هرچه را در آن روز اتفاق افتاده نوشته است.

روزنامه خاطرات
مهندس الممالک غفاری



یادداشت‌های هر سال با شکر و سپاس از خداوند برای دادن روزی به پایان می‌رسد. ادبیات مهندس در یادداشت‌های ابتدا و انتهای هر سال برخلاف ادبیات روزانه، پر از آرایه‌های ادبی و آیات قرآن و اشعار است. «جن و بشر به فرمان واجب‌الاذعانت، به حکم و مَا خَلَقْنَا الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُون طوق اطاعت به گردن نهاده، ره تسبیح و عبادت تو پویند. شجر و حجر پایبند نعمت بی‌کرانت به مقتضای و النجم و الشجر یسجدان به زبان بی‌زبانی حمد و سپاس تو گویند. شمس و قمر مقید زنجیر هندسه و حسابت به مضمون وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ در فضای عمر متناهی راه بروج فلکیات جویند. جن و بشر، شجر و حجر، شمس با قمر محکوم امر و نهی تو باشند سربه‌سر. جهان را بلندی و پستی تویی ندانم چه‌ای، هرچه هستی تویی» (همان: ۱۳۹).

«محبس طاغیان امرش در سرای فانی بتکده اهل ریمیم و در دار باقی آتشکده نار جحیم است. كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ^{۱۵}؛ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ^{۱۶}؛ يَا مَعْشَرَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا كَمَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ^{۱۷}. الهی به چه زبان گویا شوم که شکر نعمتی که در این سال عطا فرمودی ادا کرده باشم و به چه طاعت کمر بندم که سپاس صحتی که به خود و متعلقانم بخشیدی گفته باشم» (همان: ۲۶۴).

در کتاب برخی لغات به زبان محلی ثبت شده است؛ مانند واژه «پیشباز، واگسی، تیروار» (همان: ۱۲).

مهندس حوادث مهم زندگی خود را خیلی دقیق ثبت کرده است: «تولد نورچشمی امیر جلال‌الدین غفاری روز پنج‌شنبه ۸ شهر رمضان [سال ۱۲۹۸]، ۶ ساعت به غروب آفتاب مانده مطابق ۱۷ مردادماه جلالی به مبارکی در قریه تجریش طهران واقع شد. در تفصیل سه‌شنبه ۱۳ شهر رمضان خوابی که در پنج‌شنبه دیدم ملاحظه کنید خیلی غریب و مبارک است. در روز تولد امیر، خورشید در برج اسد و ماه در برج عقرب بود» (همان: ۴۷).

«شنبه [۱۵۱] عید نوروز قوی‌نیل سنه ۱۳۰۰ / ۱۴ شوال‌المکرم / ۱۸ او ماه فرانسوی سنه ۱۸۸۳ / ۱ شهریورماه جلالی] دیشب هفت ساعت و چهار دقیقه از غروب آفتاب گذشته که درست دو ساعت به طلوع فجر امروز مانده باشد، خداوند پسری مرحمت فرمود، اسمش را امیرنظام‌الدین گذاردم.»

۳. ویژگی‌های شخصی مهندس

مهندس بسیار اهل نوشتن بوده است؛ چه به صورت گزارش روزانه و چه به صورت نامه به خانواده‌اش. مهندس به دلیل سفر یا کارهای عمرانی دائماً دور از خانواده‌اش بوده است، بنابراین از

طریق نامه با خانواده‌اش در ارتباط بوده است. او اهل مطالعه بوده و در فرصت‌های گوناگون کتاب می‌خوانده است (همان: ۲۹-۳۰، ۲۵۴ و ۲۶۰). او در نظارت بر زیردستانش سختگیر بود و به‌سختی آن‌ها را تنبیه بدنی می‌کرد (همان: ۴۲-۴۳، ۵۲، ۵۳، ۶۱، ۶۲، ۱۵۱، ۱۵۴، ۲۰۰ و ۲۰۱). البته به موقعش تشویق هم می‌کرد: «نشان‌های طلا را از شهر آورده بودند، به اجزا دادم» (همان: ۱۵۶). جالب است که مهندس تنبیه و تشویق را هم‌زمان با هم انجام می‌داد؛ اول فرد را تنبیه می‌کرد و در ادامه با متنه‌شدن فرد او را تشویق می‌کرد و استمالت می‌کرد تا خود را بازیابی کند (همان: ۱۳۳، ۱۵۶ و ۱۸۳).

او در برآورد قیمت کارها امین‌اتابک اعظم امین‌السلطان بود. «دهنه رودخانه (۲۵۰) ذرع است. پل را به سیزده هزار تومان دید زده‌اند. من آن پل را به دو هزار و پانصد تومان دیدم که بسازند. تفاوت ده هزار و پانصد تومان است» (همان: ۸۳ و ۸۴).

مهندس‌الممالک حتی در اختلاف بین دولت ایران و فرانسوی‌ها در جریان آتش‌گرفتن کارخانه چراغ‌گاز، حکم قرار گرفت و این کار را با مبانی علمی حل کرد. «در کتاب شیمی پلوز و فرمی^{۱۸} خواندم که زغال‌سنگ اغلب در انبار خودبه‌خود آتش می‌گیرد و این از عدم مواظبت اجزایی است که او را انبار کرده‌اند. تفصیل را عریضه کرده، خدمت جناب امین‌السلطان فرستادم» (همان: ۲۲۵).

او مستقیم در کار اجرایی بود. نقشه‌برداری می‌کرد و از امکانات جدید مهندسی مانند ارتفاع‌سنج هم استفاده می‌کرد. «ارتفاع زمین قزوین از سطح دریا که با بارومتر معین کردیم (۴۸۰۰) فوت بود که هر سه فوت و نیم یک ذرع است» (همان: ۶۸). وی شخصاً به کارها سر می‌زد. «پس از بازدید دیدم آنقدر که پول گرفته، نصف آن را کار نکرده‌اند. در کاروانسرای کهریزک منزل کردیم، بسیار سرد [بود] و باد شدید می‌وزید» (همان: ۱۲۳). ابایی هم از این نداشت که کارهای سطح پایین مانند بنایی را خودش هم انجام دهد: «... یک آخور هم به دست خودم بستم...» (همان: ۱۷۶).

او فردی مذهبی بود و در مراسم مختلف به‌ویژه مراسم ایام محرم شرکت می‌کرد (همان: ۳۰۳، ۳۲۷ و ۳۵۶).

میرزا نظام به‌علت تحصیل در فرانسه با فرانسویان ارتباط داشت. دیولافوا در سفر به ایران مهمان او بود و با همراهی او از چند جا بازدید کرد. «از منزل حکیم‌باشی کالسکه نشسته با رفیق فرنگستان و زنش مسجد سپه‌سالار را تماشا کردیم» (همان: ۲۴). «دوشنبه [۷۸] عید نوروز / ۸ مهندس‌الممالک غفاری



رجب/ ۶ ژون] صبح خانم‌ها قرار شد منزل مستشار رفته و علی‌اکبرخان اسب برای رفیق فرنگی که اسمش (دیولافوا) Dieulafoy است برده و خودش و زنش را به برج یزید برده...»^{۱۹} «صبح دیولافوا و زنش آمدند. چند فقره عکس زنش از ماها انداخت. وقت رفتن یک قلمدان با دوات طلا و سایر اسباب با یک برجسبدان به زنش تعارف کردیم و یک قمه اعلا به خودش دادیم. در این دوسه‌روزه به سمت اصفهان می‌روند» (همان: ۳۱-۳۲). «پنج‌شنبه [۱۰۲ عید نوروز/ ۳ شعبان/ ۳۰ ژون] صبح مسیو دیولافوا با زنش آمدند یک شیشه عکسی از من و یکی از میرزا حسن و نورچشمی فاطمه‌خانم برداشتند؛ بعد امامزاده صالح که نزدیک خانه ما است رفته و عکس چنار معروف امامزاده^{۲۰} را برداشتند. متجاوز از بیست و چهار ذرع دور درخت است و از هزار سال زیادتر عمر او است» (همان: ۳۳).

دیولافوا بعد از رفتن از ایران برای قدردانی از میرزا نظام برایش هدیه فرستاد: «امانتی که مادام دیولافوا از پاریس فرستاده بود، رسید. شش جعبه گل فرنگی بسیار خوب فرستاده بود» (همان: ۲۵۳). «سه‌شنبه [۳۵۷ عید نوروز/ ۳ جمادی‌الاول/ ۱۳ مارس] کتاب لغتی، دیولافوا از پاریس برای من فرستاده بود؛ به توسط چاپار حکیم‌باشی طولوزان فرستاده بودند» (همان: ۲۶۰). دیولافوا همچنین شرحی از زندگی و کارهای میرزا نظام را در روزنامه مصوری در فرانسه چاپ کرد. (همان: ۲۷۴). میرزا نظام با سفارت فرانسه هم ارتباط داشت و در مهمانی‌های شام سفارت فرانسه در تهران دعوت می‌شد. یک مرتبه مهندس صورت منازل راه خراسان را که برداشته بود برای سفارت فرستاد (همان: ۳۳).

کتاب *روزنامه خاطرات مهندس الممالک مطالبی فراوان در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و اطلاعات شهری* دارد که به تفصیل به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود:

الف. مسائل اقتصادی

راه همواره در تاریخ ایران نقشی مؤثر داشته است. کتاب *روزنامه خاطرات مهندس الممالک* هم مطالبی دقیق درباره راه‌ها دارد. میرزا نظام درباره وضعیت راه‌ها می‌نویسد: «بعد از هر بارندگی خرابی وارد می‌آید، مستحفظین تعمیر می‌کنند» (همان: ۲۲). او به نقش عامل انسانی هم در خرابی راه‌ها اشاره می‌کند: «یک نفر قلعه‌نوی که خرابی به جاده رسانده، آب به نهر انداخته بود...» (همان: ۳۲۳). جزئیات چگونگی تأمین هزینه نگهداری راه‌ها در *خاطرات مهندس آمده است*: «صبح به اتفاق آقامیرزاتقی درب‌خانه رفتیم، طومار حساب مخارج راه را در حضور امین‌السلطان و جمعی از مستوفی‌ها و معمارها خواندم، ایراداتی که باید به بازدید معمارها وارد بیاورم، آوردم.

عاقبت چهار هزار تومان از طلب ما را وا زدند و طومار را مهر کرده، دادند تا براتِ صرف صادر شود» (همان: ۲۸). «بروات به صحه و مهر رسیده‌اند، حالا باید ثبت دفتر بشود و تنخواه را از خزانة بگیریم تا چه شود» (همان: ۳۳). اطلاعات راه‌ها به صورت دقیق در کتاب آمده است: «راه قزوین هر فرسنگ یک قراول‌خانه ساختند و هر چهار فرسنگ یک میهمان‌خانه که اسب چپاری هم بسته‌اند. میهمان‌خانه اول شاه‌آباد بود چهارفرسنگی تهران، نهار به آنجا صرف شد. میهمان‌خانه دوم حصارک و سیّم ینگه‌امام^{۲۱}. دو شب توقف کردیم کاروان‌سرای قدیم ینگه‌امام را تعمیر کرده میهمان‌خانه خوبی کرده‌اند» (همان: ۶۶). مسافت‌ها را هم دقیق اندازه‌گیری کرده است: «از آقابابا الی مزرعه (۱۲۰۰۰) ذرع، از نهر مزرعه الی اسماعیل‌آباد (۵۳۲۰) ذرع، اسماعیل‌آباد الی خزران (۷۰۰۰) [ذرع]، از خزران الی پاچنار (۱۳۰۰۰) ذرع، ارتفاع نقطه بلند گردنه خزران (۶۶۰۰) یا (۶۸۰۰) فوت انگلیس معین شد. ارتفاع کاروان‌سرای پاچنار و چاپارخانه دولتی که جنب کاروان‌سرا است (۱۵۰۰) یا (۱۳۰۰) فوت. یک ساعت و نیم از شب‌رفته وارد چاپارخانه شدیم؛ تمام روز بدون معطلی راه رفته بودیم» (همان: ۶۹).

میرزا نظام در مقطعی مسئول می‌شود تا راه قزوین-رشت را کالسکه‌رو کند: «هفت بند دارد که هریک از هزار ذرع متجاوز طول آن‌هاست و یکپارچه سنگ خاراست. بندهای راه لاریجان تنها دو یست ذرع سنگ‌بری داشت. اینجا باید هزار ذرع هزار ذرع سنگ‌بری کرد و سد بست و اغلب بل تمام راه باید نوّبر شود که کالسکه‌رو گردد. پل منجیل هفت چشمه دارد و (۱۷۰) ذرع طول او است. اشجار انار و زیتون است. بین راه سه قریه است که رودبار بالا و رودبار وسط و رودبار پایین باشد. این سه قریه به هم وصل هستند و فاصله رودبار بالا تا منجیل یک فرسنگ و نیم است.» (همان: ۷۱). مهندس در راهداری موفق عمل کرد به همین علت و البته نزدیکی به امین‌السلطان ساخت همه راه‌های ایران از طرف امین‌السلطان به میرزا نظام واگذار شد: «خدمت جناب امین‌السلطان رفتم. تمام راه‌های ایران را به من سپردند که به دستورالعمل من ساخته شود» (همان: ۸۵). از اولین راه‌هایی که در این خصوص به او واگذار شد راه قم بود. او به صورت دقیق راه قدیم و جدید را مقایسه کرد و مزیت‌های راه جدید را برشمرد: «راه طهران به قم که از حوض سلطان بیست‌وسه فرسنگ است، از این راه تقریباً هجده فرسنگ خواهد بود. صدرآباد خرابه بی‌آب مبدل می‌شود به قلعه محمدعلی با آب و اشجار بی‌شمار به خصوص درخت انار؛ حوض سلطان مبدل می‌شود به راه صاف؛ همه نيزار و آب‌های خوشگوار کویر حوض زمین صاف شن‌بوم می‌شود؛ گردنه پل دلاک هموار می‌گردد؛ رودخانه‌ها همه تنگ می‌شوند؛ بی‌آبی‌های

روزنامه خاطرات

مهندس‌الممالک غفاری



راه‌ها هم همه‌جا چشمه آب‌های خوشگوار می‌گردند» (همان: ۹۰-۹۱). میرزا نظام مسئول ساخت راه‌های ایران شد و به حضور شاه رسید. (همان: ۹۵). میرزا نظام برای کشیدن راه قم به اتفاق امین‌السلطان و یک نفر آلمانی از راه قم بازدید کردند: «وقت غروب باز خدمت امین‌السلطان در آبدارخانه رسیدم و تا سه ساعت از شب‌رفته، آنجا بودم. فرمودند حاضر باشید فردا یا پس‌فردا به قم می‌رویم. یک نفر مهندس آلمانی هم تازه آمده است، راه‌ساز است؛ قرار شد همراه برداریم» (همان: ۹۶). با دادن ساخت راه قم به میرزا نظام، لقب مهندس‌الممالک هم به او داده شد. «شب رفتم خدمت جناب امین‌السلطان تا دو ساعت شب آنجا بودم. نوشته راه قم را مهر کرده، دادند، لقب هم مرحمت شد. قرار شد به‌زودی تنخواه بدهند مشغول راه قم شویم» (همان: ۱۱۶-۱۱۷). از تاریخ سه‌شنبه [۳۰۳ عید نوروز / ۲۶ صفرالمظفر / ۱۷ ژانویه] سال ۱۲۹۸ این لقب به او داده شده است. از این زمان به بعد باید او را مهندس‌الممالک نامید.

مهندس هزینه ساخت راه قم را ۸۵۰۰۰ تومان برآورد کرد (همان: ۱۰۳). گزارش مهندس نشان می‌دهد که ابنیه کنار راه از مصالح محکمی ساخته نمی‌شده و بر اثر بارندگی ویران می‌شده است: «به کالسکه‌خانه کهریزک آمدیم. چیزی از کالسکه‌خانه باقی نمانده است؛ بارندگی همه را خراب کرده. محال است عقل قبول کند، دیوارها طاقت طاق نگاه‌داشتن اصلاً ندارند. دیدم اسباب بدنامی برای من خواهد شد، به فراست افتادم چهارصد تومان ضرر او را متحمل شوم و پایین‌تر، کالسکه‌خانه دیگر [ی] بنا کنم که هم پی معتبر برای او بردارند و هم خاکش خوب باشد و روی زمین سخت بنا شود» (همان: ۱۲۳). او در مسیر ایجاد راه با فسادهای اقتصادی هم مواجه می‌شود؛ از جمله رایزنی برخی افراد برای گرفتن امتیاز راه قم: «غروب پاکتی از جناب امین‌السلطان رسید که آنچه کار در کالسکه‌خانه کهریزک کرده‌اید به کسان جناب امین‌الملک واگذارید و بنای مباشر آنجا را بفرستید بیاید طهران قرار کار داده شود. معلوم می‌شود امین‌الملک خیلی سخت ایستاده؛ ولی ان‌شاءالله از پیش نخواهد برد» (همان: ۱۲۹). «آقای مستوفی‌الممالک یک قسمت از جاده حضرت عبدالعظیم را گرفته، کاروان‌سرا و دکاکین می‌خواستند بسازند؛ قدری هم ساخته بودند. دیروز قدغن کردم مستحفظین مانع شوند، نزاع شده بود. به جناب آقا اطلاع داده بودند» (همان: ۲۳۰-۲۳۱). مهندس با جناب آقا مذاکره می‌کند و مستوفی هم راضی می‌شود. «بسیار خوب الان می‌روی خدمت آقا، قبل از رفتن حاجی ابوطالب تفصیل را حالی می‌کنی و منت بر سرشان می‌گذاری. رفتم خدمت آقا و تفصیل را عرض کردم، خیلی اظهار التفات فرمودند و فرمودند این خدمت تو را منظور خواهیم داشت» (همان: ۲۳۱).

تأمین نیروی انسانی برای راه‌سازی یکی از مشکلات راه‌سازی در ایران بوده که مهندس هم بدان اشاره کرده است: «وجه قبوضات را حاجی محمدحسن نداد، عذر آورد همه عملجات به شهر ریخته‌اند، همگی را تنخواه داده، روانه کردم. نمی‌دانم چه وضع است، خداوند ما را آسوده می‌کرد خوب بود» (همان: ۲۱۸). «استاد حسین کاشی بنای کالسکه‌خانه فردوسی به طهران رفت بلکه عملجات از طهران بیاورد. فصل درو و خرمن است، عمله مشکل پیدا می‌شود» (همان: ۱۷۵).

مقاومت مردم محلی در برابر احداث جاده جدید تهران-قم باعث کنندی در روند ساخت آن می‌شد. مقامات بالاتر نیز با وجود اینکه خودشان حکم به اجرای راه جدید داده بودند اما در برابر تقاضاهای مردمی که به واسطه احداث راه جدید متضرر می‌شدند از خود مقاومت نشان نمی‌دادند: «عصر حضرات کهریزکی حکمی از جناب امین‌السلطان آوردند که البته جاده، همان جاده قدیم باشد و عملجات را آزر جاده جدید بردارید، معلوم می‌شود روزنامه دیروزی ما نرسیده بود. کهریزکی‌ها سخت ایستادند که الآن باید دست از کار بردارید و من حکم کردم کار کنند. فوری نایب اسمعیل را سوار کرده، به طهران فرستادم که تفصیل را خدمت جناب امین‌السلطان عرض کند، به فاصله نیم ساعت جواب روزنامه ما رسید، نوشته بودند: حالا که چنین صلاح دانسته‌اید پول زراعت کهریزکی را بدهید و قبض گرفته، بفرستید» (همان: ۱۲۶-۱۲۷).

مهندس با وجودی که با امین‌السلطان رابطه خوبی داشت، اما از اینکه همه کارها منوط به وی بود و کارهای ساخت راه هم چندین روز می‌ماند تا امین‌السلطان دستوری بدهد انتقاد می‌کرد. (همان: ۲۸۴). یکی از انتقادهای مهندس، از گران‌فروشی کار و خدمات توسط افراد و پیمانکاران بود: «امروز صبح به حضور همایونی شرفیاب شده، درباب کارخانه گاز و چراغ‌کشی خیابان‌ها گفت‌وگو کردیم. بعد استدعای عرض محرمانه کرده، به قدر ده دقیقه تنها در فقره بازدید مخارج، حضوراً خلوت عرض کردم. ده هزار تومان اضافه برآورد کرده بود جهانگیرخان؛ بیست هزار تومان بازدید او را خودم به ده هزار تومان عرض کردم قبول دارم. مشروط به دستخط فرمودند» (همان: ۲۸۷). یکی از مشکلات کارهای عمرانی فقدان نقدینگی بود که افراد را به برات‌نویسی و حواله‌دادن می‌افکند و حتی گاهی به جای پول نقد، جنس می‌دادند. مهندس یک بار مجبور می‌شود تا گندم تحویلی را آرد کند و در قم نان بپزد و به مردم بفروشد تا پول فراهم سازد. (همان: ۲۹۶). گاهی به علت نبود پول کار تعطیل می‌شد: «عملجات هم از بی‌پولی امروز به فریاد

روزنامه خاطرات

مهندس الممالک غفاری



آمدند، دست از کار جاده‌سازی کشیدند» (همان: ۲۶۱).

مهندس در جای‌جای خاطرات روزانه خود، از فساد سخن گفته است: «هرچه تنخواه از من می‌گیرند، می‌خورند، به عملجات نمی‌دهند و بدنامی برای من می‌گذارند» (همان: ۳۰۳). «صبح معلوم کردم که مشهدی عابد از گچ و آهکی که برای پل آبکند حواله گرفته بود شانزده خروار آهک و پنج خروار گچ تقلب کرده» (همان: ۱۴۶). «کار پل شور خیلی خراب بود؛ پدرسوخته‌ها زیاد خرابکاری کرده بودند» (همان: ۲۷۱).

ب. مسائل اجتماعی

– گزارش آب‌وهوا

مهندس در خاطرات روزانه خود، وضعیت آب‌وهوا را هم آورده است (همان: ۹ و ۶۵). او موقعیت باغ‌ها و خیابان‌ها را هم آورده است: «پس از صرف چای به اتفاق، باغ و عمارت حکیم طولوزان و باغ میرزا فضل‌الله‌خان منشی جناب امین‌السلطان و باغ میرزا عیسی وزیر که هر سه جنب خانه ما هستند گردش کردیم» (همان: ۲۳). درباره خیابان‌کشی در قزوین می‌نویسد: «سلیمان‌خان و جمعی در شهر قزوین مشغول پیدا کردن راهی بودیم که خیابان از آن سمت از شهر خارج شود بدون اینکه خرابی زیاد به رعیت وارد آید. عاقبت الامر یک راهی پیدا کردیم که از شش ذرع عرض از شهر بیرون می‌رود، خرابی [ای] که به خانه و دکاکین مردم می‌رساند جزئی است. قرار شد فردا آقا باقر عمله سر کار بگذارد» (همان: ۶۷).

– تاریخ روشن شدن چراغ‌گاز تهران

«یکشنبه [۲۰۸ عید نوروز/ غره ذی‌حججه الحرام/ ۱۵ اکتوبر] تا سه ساعت شب کارخانه گاز بودم. تمام چراغ‌ها را روشن کردیم، بسیار خوب سوخت» (همان: ۲۱۳). امین‌السلطان اداره کارخانه چراغ‌گاز را به مهندس سپرد. (همان: ۲۲۷). به این جهت جزئیات چراغ‌گاز از نحوه تأمین لوله‌ها و چگونگی کشیدن لوله‌ها و نیز حراست از چراغ‌گاز در کتاب آمده است (همان: ۲۸۶-۲۸۹). امین‌السلطان همچنین ایجاد کارخانه چراغ‌گاز حرم حضرت معصومه در شهر قم و ایجاد صحن را به مهندس واگذار کرد (همان: ۹۹ و ۳۵۳). گزارش مهندس از وضع کوچه‌های شهر قم در دوره قاجار، جالب است: «کوچه اندازه‌ای گل است که قوه حرکت نیست» (همان: ۲۵۲). «کوچه‌ها به اندازه‌ای گل است که مافوق آن متصور نیست» (همان: ۲۵۳).

– گزارش دزدی

«دزدی در تجریش به حد شیوع رسیده، روز روشن، اول شب خانه مردم را به جهاز خالی

می‌کنند. هیچ‌کسی صاحب‌مال نیست. تا امروز این‌گونه بی‌حسابی در هیچ نقطه‌ی خاک دیده نشده است» (همان: ۳۵). «دزد منزل خان‌داداش رفته یک سرِ قلیان نقره و یک سرداری و یک قبا و ارخالق برده است، اگر حقیقت داشته باشد باید از بیرونی برده باشد» (همان: ۳۷). مهندس از فساد اخلاقی در دوره‌ی قاجار به‌ویژه تجاوز به کودکان نیز در خاطرات خود یاد کرده است (همان: ۱۷۰).

– بست نشینی

یکی از سنت‌های مانع اجرای عدالت در دوره‌ی قاجار بست‌نشینی بود. مهندس در جای‌جای خاطراتش به این موضوع اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه خاطیان با استفاده از این سنت از زیر مجازات فرار می‌کردند و امور را مختل می‌گذاشتند (همان: ۱۱۸، ۱۳۲، ۲۴۴، ۲۴۹، ۲۷۷، ۳۰۱، ۳۰۳ و ۳۰۷).

«سه‌شنبه [۱۳۳ عید نوروز / ۲۵ رمضان / ۳۱ ژوئیه] امروز محمودبیک و ابوطالب‌بیک برادرش به آستانه‌ی حضرت بستی شدند. هرکس را فرستادم آن‌ها را بیاورد، نیامدند. تنخواه نقد ما حواله‌ی آن‌ها است. دیدم اگر به بست بنشینند، به‌کلی کار ما لنگ شود. بعد از افطار آن‌ها را در منزل خود خواسته، خیلی دلجویی کردم، از ترس این‌که مبدا من به آن‌ها در گرفتن تنخواه سخت بگیرم، محض اطمینان او یک پالتو ماهوت به محمود بیک خلعت دادم» (همان: ۳۰۴).

– حشرات

مهندس در خاطرات خود از حشرات نام برده است که این اطلاعات برای زیست‌شناسان می‌تواند مفید باشد (همان: ۵۱، ۱۶۶ و ۱۷۱). «جنگل مازندران در فصل تابستان سپیل دارد. سپیل به‌اصطلاح این‌ها مگس بزرگی است از خرمگس باریک‌تر از زنبور زرد تندتر و زنده‌تر...» (همان: ۵۴-۵۵).

روزنامه‌ی *خاطرات مهندس‌الممالک* منبعی خوب برای سندپژوهان است؛ زیرا مهندس فردی درگیر در کارهای اجرایی بوده و باید دائماً از دربار و دولت پول می‌گرفته است و این دریافت پول نقد و نیز جنس و یا برات نیازمند انجام فرایند اداری بوده است که مهندس به‌خوبی در خاطرات خود آن را توضیح داده است: «ملفوفه‌ی فرمان‌های جنس قم و ساوه با نقدی آن دو ولایت را گرفتم» (همان: ۱۹۲). «بروات به صحه‌ی مبارک رسیده، دادم دفتری کنند» (همان: ۲۲۱).

ج. مسائل سیاسی

روزنامه‌ی *خاطرات مهندس‌الممالک غفاری* مهندس در خاطرات خود درباره‌ی مسائل سیاسی و آمدوشد صدراعظم‌ها هم، نکاتی را آورده



•
•
•
•
•
•
•

است: «امین‌الملک از کارهای مرجوعی معزول شد. تمام کارها رجوع به جناب آقا شد، این‌ها همه تهیه‌ی رو[ی] کار آمدن سپه‌سالار است.»

مهندس‌الممالک ارتباط خوبی با خارجی‌ها داشت و آن‌ها نیز از خدمات و تخصص او استفاده می‌کردند. با ایجاد راه جدید قم، انگلیسی‌ها نقشه‌ی راه جدید را از او گرفتند تا خط تلگراف را در راه جدید احداث کنند (همان: ۱۶۱) و نیز محل احداث تلگراف‌خانه را با راهنمایی مهندس‌الممالک تعیین کردند (همان: ۲۶۳).

مهندس در یادداشت‌های خود اطلاعات محلی خوبی درباره‌ی سد ساروجی گزنک (همان: ۴۸). نام‌گذاری مهمانخانه‌ی راه قم و کالسکه‌خانه‌ی آن (همان: ۱۵۰ و ۱۲۷)، سفال‌های کشف‌شده در مسیر احداث راه (همان، ص ۱۳۰) قنات حکیم‌آباد خالصه (همان: ۱۴۳) و نیز درگیری‌های محلی (همان: ۲۵۶) بیان می‌کند که درخور توجه است و چون فردی آگاه و دقیق بوده، اطلاعاتش درخور استناد و استفاده‌ی محققان و مورخان است.

پی‌نوشت‌ها

۱. برزآباد (Borzabad) روستایی دشتی و معتدل خشک در ۴۳ کیلومتری شمال غربی کاشان (اکبری و پویان، ۱۳۸۵: ۵۷).

۲. سرمد، ۱۳۷۲: ۱۵۶.

3. Dieppe

4. Rouen

5. St Louis

6. Polytechnique

7. Gerono et Terquem

8. Officier de l'instruction publique

۹. مکمل /mokallal/: اکلیل‌نهاد، زیور داده، آراسته‌شده.

۱۰. مهندس در یادداشتی به تاریخ ۱۳۲۰ ق ذکر کرده که این کتاب را در زمان سلطنت مظفرالدین‌شاه تألیف کرده است (نک: پیوست ۵).

۱۱. صنادید /sanādid/: مهتران، بزرگان.

۱۲. در متن کتاب اشاره شده که امیر جلال‌الدین از زنی به نام نوابه‌خانم متولد شده است در صورتی که اینجا اشاره‌ای به نوابه‌خانم نشده است. شاید نام دیگر بایسته‌خانم نوابه‌خانم بوده است.

۱۳. مهندس در یادداشت‌های خود آورده که پسری به نام جلال‌الدین داشته که قبل از او فوت کرده است و احتمالاً مهندس نام این پسر را روی فرزند بعدی خود که همین امیرجلال‌الدین مهندس‌الممالک دوم باشد

کاشان‌شناسی
شماره ۱۴ (پیاپی ۲۲)
بهار و تابستان ۱۳۹۸



•
•
•
•
•
•
•

گذاشته است.

۱۴. سیفال‌الدین صحیح است.
۱۵. اشاره به آیه ۸۰ سوره صافات: «إِنَّا كَذَّلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» (ما نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم).
۱۶. اشاره به انتهای آیه ۴۰ سوره اعراف: «وَكَذَّلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ» (و این گونه گنهکاران (متکبر) را مجازات سخت خواهیم کرد).
۱۷. آیه ۳۳ سوره الرحمن: ای گروه جنّ و انس، اگر می‌توانید از اطراف آسمان‌ها و زمین (و از قبضه قدرت الهی) بیرون شوید، بیرون شوید (ولی این خیال محالی است زیرا) هرگز خارج از ملک و سلطنت خدا نتوانید شد.
۱۸. شیمی.
۱۹. برج یزید.
۲۰. چنار معروف امامزاده و عکس آن.
۲۱. ینگه‌امام و یا ینگه‌امام از روستاهای قدیمی شهرستان ساوج‌بلاغ است که کاروان‌سرا، امامزاده و تپه‌ای تاریخی دارد.

منابع

۱. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، ۱۳۸۹، *روزنامه خاطرات*، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
۲. افضل‌الملک، غلامحسین، ۱۳۶۱، *افضل التواریخ*، با تصحیح منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ ایران.
۳. اکبری، هادی و پویان، ناصر، ۱۳۸۵، مدخل «برزآباد» در فرهنگ جغرافیایی کاشان، تهران: بنیاد فرهنگ کاشان.
۴. دولت‌آبادی، یحیی، ۱۳۷۱، *حیات یحیی*، چ ۵، تهران: عطار.
۵. دیولافوا، ژان، ۱۳۷۱، *ایران، کلد و شوش*، ترجمه علی محمد فره‌وشی، چ ۵، تهران: دانشگاه تهران.
۶. سالور، قهرمان‌میرزا، *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر.
۷. سپهر، احمدعلی، ۱۳۴۵، *ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۸-۱۹۱۴*، تهران: چاپخانه بانک ملی ایران.
۸. سرمد، غلامعلی، ۱۳۷۲، *اعزام محصل به خارج از کشور (در دوره قاجاریه)*، تهران: چاپ و نشر بنیاد.
۹. طاهری، طاهره، «نقشه» در *دائرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی*، تاریخ بازبینی ۱۳۹۷/۱۰/۲۲ از: portal.nlai.ir/daka/20pages.aspx
۱۰. ظهیرالدوله، علی، ۱۳۷۱، *سفرنامه ظهیرالدوله همراه مظفرالدین شاه به فرنگستان*، تهران: ناشر مستوفی.
۱۱. غفاری، اصلا، ۱۳۸۵، «شجره خاندان غفاری کاشان» در *فرهنگ ایران‌زمین*.
۱۲. مدرسی طباطبایی، حسین، ۱۳۳۵، *تربت پاکان*، قم: مطبعه مهر.
۱۳. مستوفی، عبدالله، ۱۳۸۴، *شرح زندگانی من*، چ ۵، تهران: زوار.
۱۴. ملک‌المورخین، عبدالحسین خان، ۱۳۸۶، *مرآت الوقایع مظفری*، به کوشش عبدالحسین نوائی، تهران: میراث مکتوب.

روزنامه خاطرات
مهندس الممالک غفاری

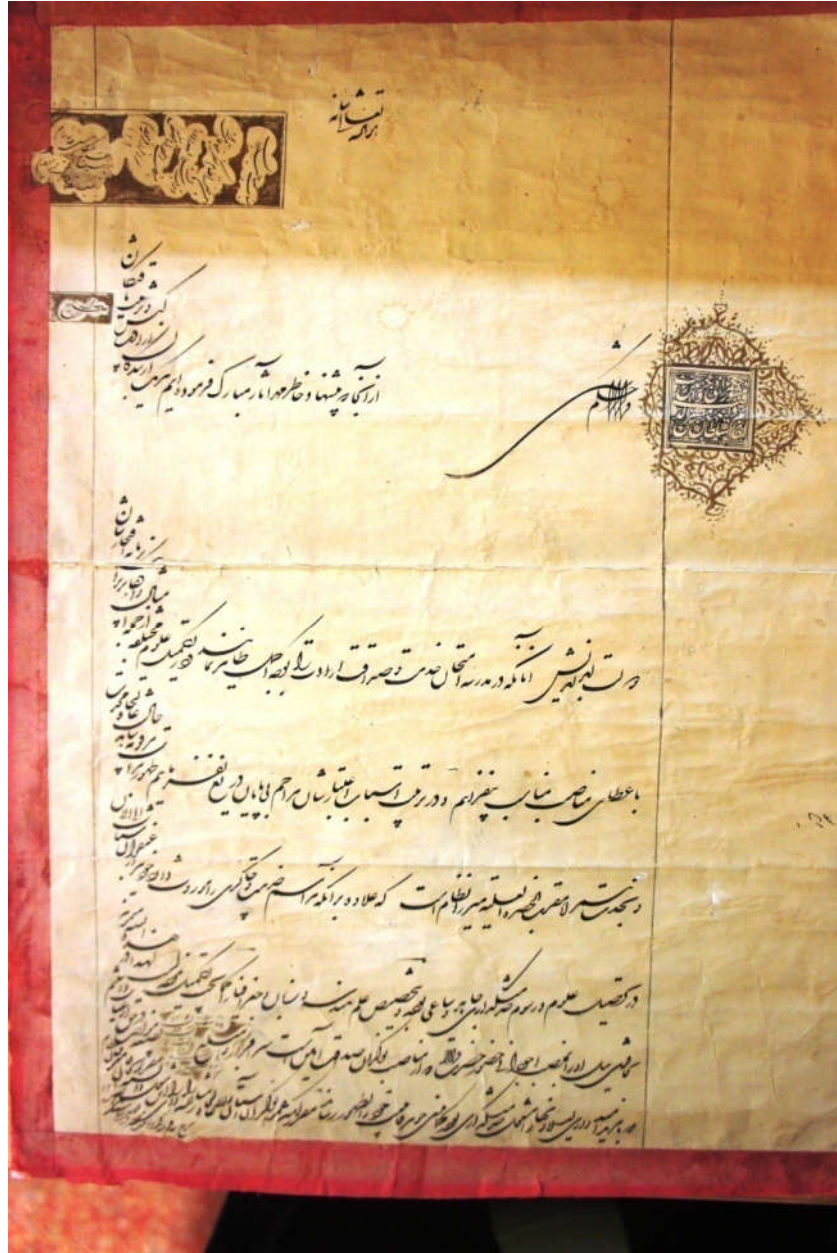


۱۵. ممتحن الدوله، مهدی، ۱۳۵۳، ممتحن الدوله خاطرات (زندگی نامه میرزا مهدی خان ممتحن الدوله شتقاقی)، به کوشش حسینقلی خانشقاقی، تهران: امیرکبیر.
۱۶. مهندس الممالک غفاری میرزا نظام، نسخه خطی روزنامه خاطرات مهندس الممالک غفاری، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، مخزن اداره کل کتاب های خطی و نادر، شماره نسخه ۳۶۸۸۴.
۱۷. ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۶۲، سفرنامه عراق عجم، تهران: تیراژه.
۱۸. ناصرالدین شاه، ۱۳۸۱، سفرهای ناصرالدین شاه به قم (۱۲۶۶-۱۳۰۹ق)، به کوشش فاطمه قاضیها، تهران: پژوهشکده اسناد.
۱۹. هدایت، مهدیقلی، ۱۳۸۵، خاطرات و خطرات، چ ۶، تهران: زوار.
۲۰. یغمایی اقبال، ۱۳۴۶، «میرزا نظام الدین مهندس الممالک وزیر علوم»، آموزش و پرورش (۸۷): ۵۴-۶۰.

پیوست ها



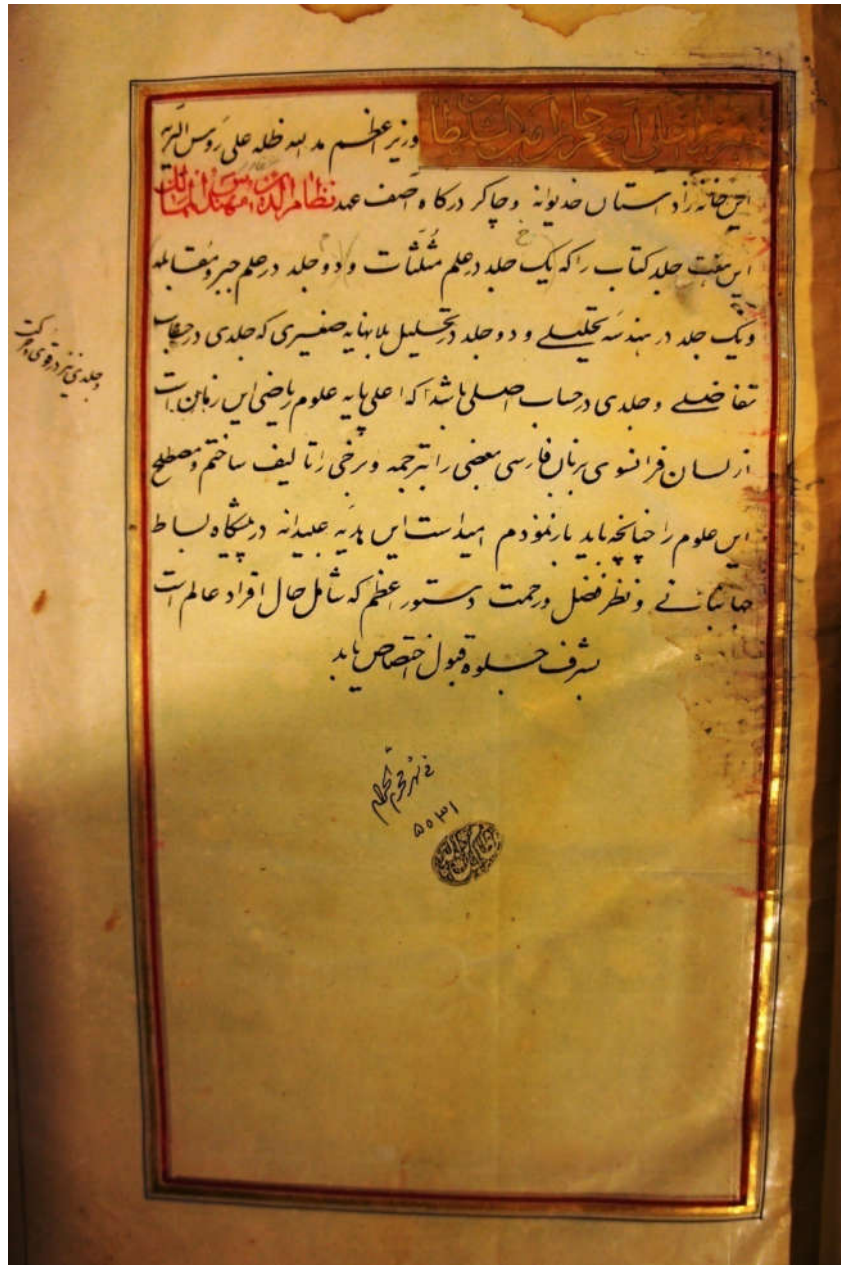
پیوست ۱: حکم اعطایی به مهندس الممالک برای آجودان حضوری ولیعهد مظفرالدین میرزا



پیوست ۲: حکم آجودان حضوری مهندس

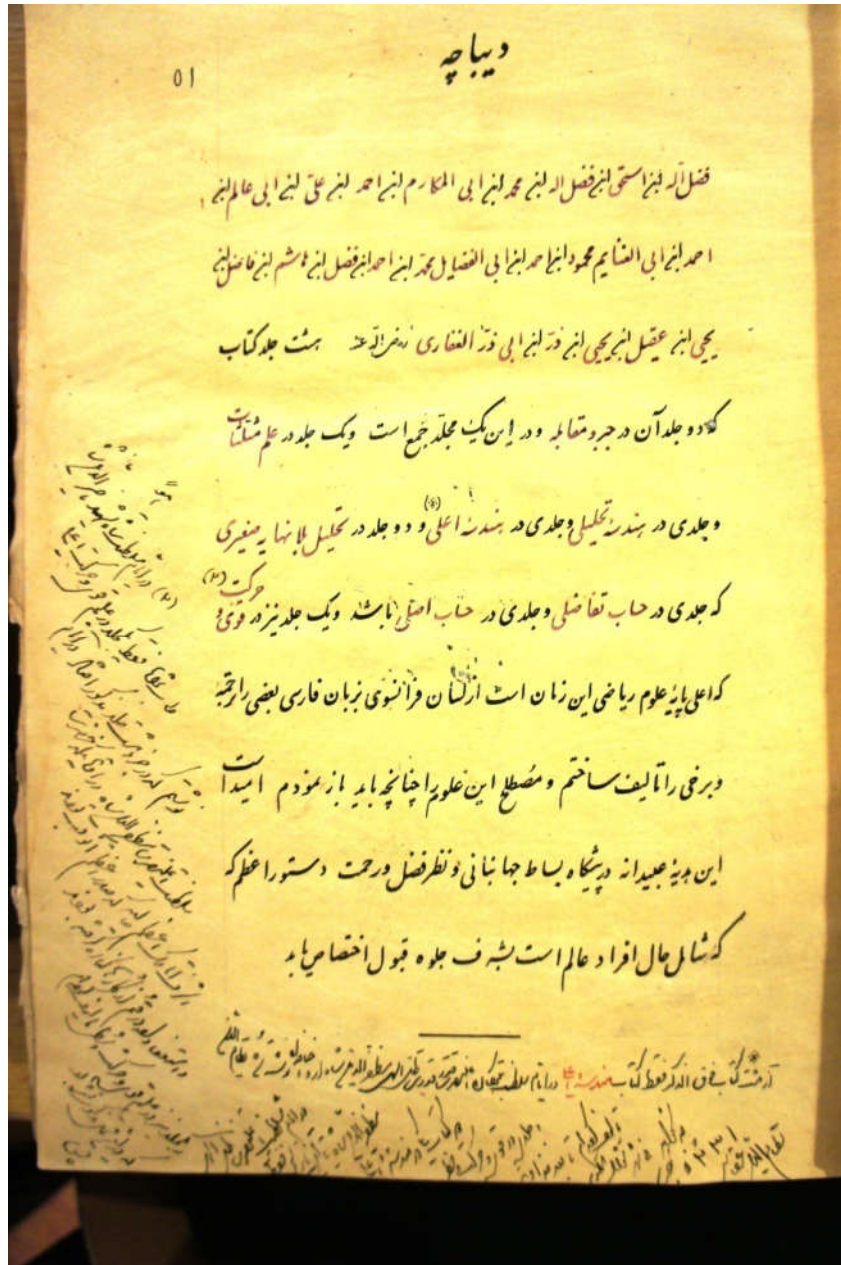


پیوست ۳: فرمان اعطای تمثال درجه اول به مهندس الممالک در ۱۳۱۱ق

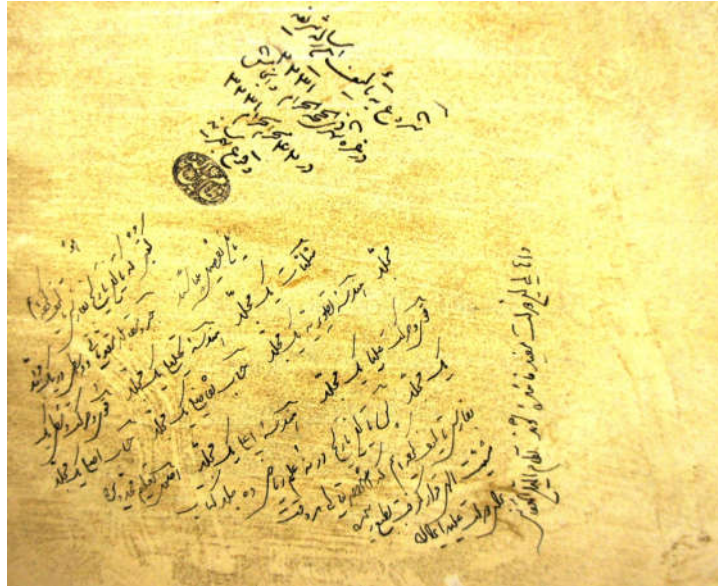


پیوست ۴: یادداشت مهندس در نسخه اهدایی به شاه درباره تعداد کتاب‌هایش

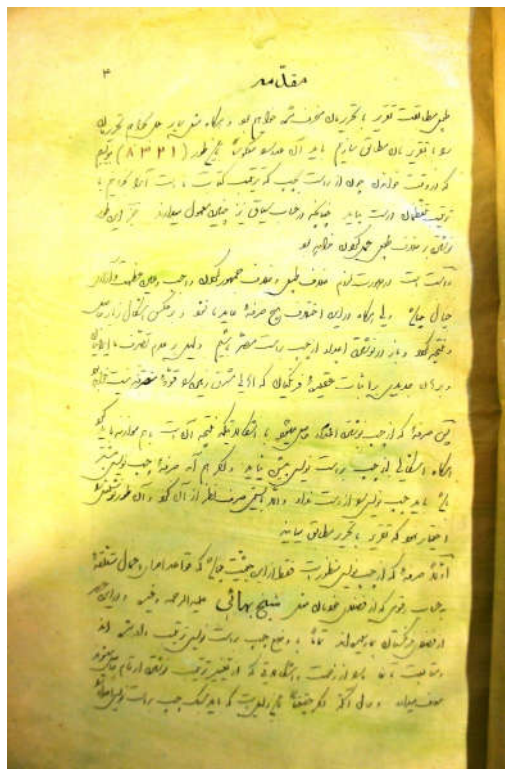
روزنامه خاطرات
مهندس الممالک غفاری



پیوست ۵: مهندس در یادداشتی به تاریخ ۱۳۲۰ق ذکر کرده که این کتاب را در زمان سلطنت مظفرالدین شاه تألیف کرده است.



پیوست ۶: یادداشت مهندس درباره تعداد کتاب هایش



پیوست ۷: پیشنهاد مهندس درباره نوشتن اعداد از راست به چپ

روزنامه خاطرات
مهندس الممالک غفاری



-
-
-
-
-
-
-



تصویر مهندس الممالک

کاشان‌شناسی
شماره ۱۴ (پیاپی ۲۲)
بهار و تابستان ۱۳۹۸



•
•
•
•
•
•
•